

Experimental Study of Alignment and Entrenchment Theories in Explaining the Impact of Family Ownership on the Relationship Between the Financial Reporting Optimistic Tone and Audit Fees

Ruhollah Arab (Corresponding Author)

Assistant Professor of Accounting, Golestan Institute of Higher Education, Gorgan, Iran.

arabroohollah@yahoo.com

Shirin Panahi Arvanagh

Graduate of Accounting, Golestan Institute of Higher Education, Gorgan, Iran.

Kolsoom Sufi Sheikh

Graduate of Accounting, Shams Gonbad Institute of Higher Education, Gonbad, Iran.

Mohammed Gholamrezapour

Graduate of Accounting, Auditor of Amin Mahaseb Pars Institute, Tehran, Iran.

Abstract

The tone of financial reporting, as one of the important aspects of quality information of financial reports is determined by the ratio of positive and negative words in the annual financial reports, which can be considered as influential factors for the auditor as a factor to assess the risk of the owner and affect the audit fee. According to theories of alignment and entrenchment, family ownership may reduce audit fees by reducing information asymmetry and agency costs, or by increasing audit fees through financial misuse and fraudulent financial reporting. Therefore, the aim of the present study is to investigate the relationship between the financial reporting optimistic tone and audit fees and to study the moderating effect of family ownership on this relationship with respect to theories of alignment and entrenchment. To achieve the purpose of this study, the financial information of 789 observation from companies listed on the Tehran Stock Exchange in the period between 2012 and 2020 has been done. The results of statistical tests of the research show that the financial reporting optimistic tone leads to a reduction in audit fees. In addition, the results showed that, in accordance with the alignment theory, family ownership it moderates and intensifies the relationship between the financial reporting optimistic tone and audit fee.

Keywords: Optimistic Tone, Family Ownership, Audit Fee, Alignment Theory, Entrenchment Theory.

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۰/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۴۰۰/۱۲/۲۵

بررسی تجربی نظریه‌های همسویی و سنگربندی در تبیین تاثیر مالکیت خانوادگی در رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی

روح اله عرب (نویسنده مسئول)

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی گلستان، گرگان، ایران.

arabroohollah@yahoo.com

شیرین پناهی اروانق

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی گلستان، گرگان، ایران.

کلثوم صوفی شیخ

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی شمس گنبد، گنبد، ایران.

محمد غلامرضا پور

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، حسابرس موسسه امین محاسب پارس، تهران، ایران.

چکیده:

لحن گزارشگری مالی، به عنوان یکی از جنبه‌های مهم اطلاعات کیفی گزارش‌های مالیت وسط نسبت واژه‌های مثبت و منفی که در گزارش‌های مالی سالانه موجود است، مشخص می‌شود که می‌تواند از عوامل تاثیرگذار برای حسابرس به عنوان عاملی برای ارزیابی ریسک شرکت صاحبکار در نظر گرفته شود و بر حق‌الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. ضمن اینکه، بر اساس نظریه‌های همسویی و سنگربندی، مالکیت خانوادگی ممکن است از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی منجر به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی شود، یا از طریق سوءاستفاده مالی و گزارشگری مالی متقلبان منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی گردد. از این رو هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی و مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی مالکیت خانوادگی بر این رابطه با توجه به نظریه‌های همسویی و سنگربندی می‌باشد. برای دستیابی به هدف پژوهش حاضر از اطلاعات مالی ۷۸۹ مشاهده در شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ انجام شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری پژوهش نشان می‌دهد که لحن خوشبینانه گزارشگری مالی منجر به کاهش میزان حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد. علاوه بر این، نتایج نشان داد، مطابق با نظریه همسویی مالکیت خانوادگی رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی را تعدیل و تشدید می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: لحن خوشبینانه، مالکیت خانوادگی، حق‌الزحمه حسابرسی، نظریه همسویی، نظریه سنگربندی

۱. مقدمه

حق‌الزحمه حسابرسی هزینه اقتصادی است که به سازمان‌ها تحمیل می‌شود و همین عامل باعث ایجاد پژوهش‌های زیادی در جهت بررسی عوامل موثر بر حق‌الزحمه حسابرسی شده است (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۹). از اولین مطالعاتی بود که بررسی عوامل تعیین‌کننده حق‌الزحمه حسابرسی پرداخت پژوهش سیمونیک (۱۹۸۰) بود که بعد از آن حق‌الزحمه حسابرسی تبدیل به یک موضوع کلی برای محققان شده است.

از طرفی، افشای اطلاعات کیفی ارائه شده توسط مدیریت، به طور فزاینده‌ای به عنوان مکمل مهم اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی در نظر گرفته می‌شود (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹). بر این اساس، پژوهش‌های حسابداری و مالی اخیر به ارتباط ویژگی‌های زبانی گزارش‌های شرکت با رفتار شرکت‌ها و نتایج اقتصادی توجه کرده است (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹؛ دیویس و همکاران، ۲۰۱۲؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ لارکر و زاکولیوکینا، ۲۰۱۲؛ لی، ۲۰۱۰؛ راجرز و همکاران، ۲۰۱۱). احساسات یا لحن پیام‌های منعکس شده در گزارش‌های سالانه (هنری، ۲۰۰۸؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ یکینی و همکاران، ۲۰۱۶) تمایل دارند تا روی دیدگاه سرمایه‌گذاران و تحلیلگران درباره شرکت‌ها تأثیر بگذارند.

همچنین، پژوهش‌های پیشین نشان دادند که لحن گزارش سالانه با ارزیابی ریسک حسابرسی همراه است (لوپاتا و همکاران، ۲۰۱۷؛ یانگ و همکاران، ۲۰۱۸). در واقع، ملاحظات حسابرسان مبنی بر اطلاعات همراه با صورت‌های مالی حسابرسی شده در زمان‌های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است (سیمنت و هاگینز، ۲۰۱۴). این روند با نیازهای صورت‌های مالی برای افشای کیفی شرکت‌ها به عنوان منبع مهمی از اطلاعات سازگار است (لانگ و لوندولم، ۲۰۰۰؛ لارنس، ۲۰۱۳). به طور خاص، ویژگی زبانی لحن پیام‌های منتقل شده در گزارش‌های سالانه شرکت گرایش دارد که با نتایج اقتصادی همراه باشد (هنری، ۲۰۰۸؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ یکینی و همکاران، ۲۰۱۶) و به همین دلیل احتمالاً عوامل ریسک حسابرسی را منعکس می‌کند. بر پایه این استدلال، دی‌کاسترو و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که شرکت‌هایی که گزارش‌هایی با لحن خوشبینانه

صادر می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که گزارش‌های را با لحن بدبینانه صادر می‌کنند، حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند. بنابراین، انتظار می‌رود که افزایش لحن خوشبینانه گزارشگری مالی موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی گردد.

از سوی دیگر، نظر به اینکه وجود مالکیت خانوادگی در شرکت‌ها ممکن است طبق نظریه همسویی و سنگربندی منجر به عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران کاهش یابد و موجب ریسک حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی پایین‌تری شود یا جریان اطلاعات حسابداری و کنترل بر شرکت کاهش یابد که در این صورت ریسک‌های سوء استفاده مالی و گزارشگری مالی افزایش می‌یابد، حسابرسان باید اقدامات گسترده‌ای در جهت رفع این نوع ریسک‌ها انجام دهند که در نهایت حق‌الزحمه حسابرسی افزایش یابد (عرب و همکاران، ۱۴۰۰؛ تی، ۲۰۱۹)، بنابراین، انتظار می‌رود رابطه لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی تحت تأثیر مالکیت خانوادگی قرار گرفته و تعدیل (تضعیف یا تقویت) شود. با این حال با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در عمده مطالعات داخلی صورت گرفته این موضوع نادیده انگاشته شده و یک فضای خالی در ادبیات مالی، حسابداری و حسابرسی برای تحقیق در این باره وجود دارد که این خود، انگیزه‌ای جهت انجام پژوهش حاضر می‌باشد. از این رو، پژوهش حاضر در صدد است که رابطه لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی و همچنین اثر تعدیل‌کنندگی مالکیت خانوادگی بر این رابطه با توجه به نظریه‌های همسویی و سنگربندی را بررسی کند.

مطالعه حاضر به چندین روش خاص به ادبیات قبلی کمک می‌کند: پژوهش حاضر از این حیث دارای اهمیت است که در زمره محدود پژوهش‌های داخلی می‌باشد که به بررسی لحن گزارشگری مالی پرداخته و با بررسی تجربی پیامدهای حسابرسی از کلیه پیام‌های گزارش سالانه، ادبیاتی را که ارتباط بین صفات گزارش سالانه و گزارشگری مالی را بررسی می‌کنند، در کشورهای در حال توسعه از جمله بازار سرمایه نوظهور ایران گسترش می‌دهد. همچنین، ما با معرفی مالکیت خانوادگی به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در این زمینه، ادبیات اخیر مربوط به رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی را گسترش می‌دهیم. ادبیات موجود ادعا می‌کند

که لحن خوشبینانه گزارشگری مالی پیامدهای مهمی در حق الزحمه حسابرسی دارد. با این حال، ارتباط بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی در زمینه شرکت‌های خانوادگی در مقابل شرکت‌های غیرخانوادگی از قبل مشخص نیست. بنابراین، مطالعه ما ضمن بررسی رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی، مالکیت خانوادگی به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته می‌شود. از نظر پژوهشی، این اولین بار است که مالکیت خانوادگی به عنوان ناظر در ارتباط بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. شواهد تجربی نشان‌دهنده ارتباط بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی در اقتصاد توسعه یافته است (دی‌کاسترو و همکاران، ۲۰۱۹). با این وجود، شواهد کمی در مورد اعتبار این رابطه برای شرکت‌های فعال در اقتصادهای در حال توسعه نظیر ایران وجود دارد. ضمن اینکه، مطالعه حاضر به ادبیات رو به رشدی که عوامل تعیین‌کننده حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها را بررسی می‌کند، اضافه می‌کند و با بررسی رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی با مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی مالکیت خانوادگی با توجه به نظریه‌های همسویی و سنگربندی درک جامع‌تری از حق الزحمه حسابرسی را به ما نشان می‌دهد. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش می‌تواند موجب درک بهتر سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه و تدوین‌کنندگان مقررات حرفه حسابرسی از رابطه لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و مالکیت خانوادگی با حق الزحمه حسابرسی از رابطه لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و مالکیت خانوادگی با حق الزحمه حسابرسی گشته و در امر تصمیم‌گیری آنان راهگشا باشد. در نهایت، نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی را برای انجام پژوهش‌های آتی در حوزه مالکیت خانوادگی و نظریه‌های همسویی و سنگربندی پیشنهاد نماید.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲.۱. ریسک حسابرسی، ویژگی مشتری و مطالعات حق الزحمه حسابرسی

ریسک حسابرسی یک عامل اساسی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به قیمت‌گذاری حسابرسی است (پرات و استیس، ۱۹۹۴؛ سیمونیک، ۱۹۸۰؛ استنلی، ۲۰۱۱) و همچنین، عرب و همکاران (۱۳۹۹)

دریافتند که حساب‌برسان، ریسک حساب‌برسیرا عامل اصلی در تعیین میزان حق الزحمه حساب‌برسی در نظرمی گیرند. حساب‌برس برای تعیین میزان تلاش حساب‌برسی لازم برای کاهش ریسک، میزان خطر سوء استفاده از منابع که شامل ریسک ذاتی و کنترل می‌شود، در نظر می‌گیرد. حساب‌برس قصد دارد وقتی مشتری دارای سطح بالایی از خطر سوء استفاده از منابع باشد، سطح تلاش حساب‌برسی را افزایش داده و خطر دعوی قضایی، جریمه‌های قانونی، افت اعتبار و غیره را کاهش دهد (فدراسیون بین المللی حساب‌داران، ۲۰۰۹). بنابراین، میزان تلاشی که در حساب‌برسی صرف شده است به عنوان عامل اصلی تعیین‌کننده حق الزحمه حساب‌برسی است (گال و همکاران، ۲۰۱۸؛ های و همکاران، ۲۰۰۶؛ سیمونیک، ۱۹۸۰). گرچه سایر فاکتورها مانند اندازه صاحبکار و قدرت حاکمیت شرکتی (های و همکاران، ۲۰۰۶) و همچنین اندازه و تخصص حساب‌برس حق الزحمه حساب‌برسی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (های، ۲۰۱۳). مطالعات قبلی نشان می‌دهد که سطح تلاش حساب‌برسی و حق الزحمه حساب‌برسی با شرکت‌های دارای ریسک بالاتر در تجارت ارتباط مثبت دارد (بل و همکاران، ۲۰۰۸؛ بل و همکاران، ۲۰۰۱). حساب‌برسان طیف گسترده‌ای از منابع اطلاعاتی را برای ارزیابی ریسک حساب‌برسی و تعیین تلاش حساب‌برسی به کار می‌گیرند. یانگ و همکاران (۲۰۱۸) دریافت که خطرات خود شناسایی شده مشتری که در بیان افشای گزارش سالانه وجود دارد با حق الزحمه حساب‌برسی همراه است.

۲.۲. لحن گزارش‌های سالانه و حق الزحمه حساب‌برسی

پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که گزارش‌های سالانه دارای ارزش اطلاعاتی است (لانگ و لوندولم، ۲۰۰۰؛ تتلوک، ۲۰۰۷). لحن اشاره به میزان گزارش‌های سالانه حاوی کلماتی با احساسات خوشبینانه یا بدبینانه دارد. بنابراین، لحن به عنوان فرکانس کلمات مثبت منهای فرکانس کلمات منفی استفاده شده در یک گزارش اندازه‌گیری می‌شود. لحن موجود در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها ممکن است به خوانندگان اطلاعات مالی کمک کند تا اطلاعات مالی را زمینه‌سازی کنند. مطالعات قبلی نشان می‌دهد که لحن با نتایج اقتصادی شرکت‌ها و ریسک تجاری همراه است. به عنوان مثال، زبان خوش بینانه در افشای شرکت به طور مثبت با قیمت سهام (لانگ و لوندولم، ۲۰۰۰) و همچنین عملکرد

فعلی و آینده شرکت ارتباط دارد (دیویس و همکاران، ۲۰۱۵). کوتاری و همکاران (۲۰۰۹) تأیید کرد که چنین افشاگری هایی با اقدامات ریسک، زمانی که افشاگری ها حاوی لحن منفی هستند، همراه است. به طور مشابه، پژوهش های قبلی نشان دادند که بورس اوراق بهادار به لحن زبان مورد استفاده در اطلاعیه های شرکت پاسخ می دهد (هنری، ۲۰۰۸)، که به موجب آن احساسات منفی به احتمال زیاد منجر به واکنش منفی سرمایه گذاران خواهد شد (فلدمن و همکاران، ۲۰۱۰؛ لوفران و مک دونالد، ۲۰۱۱).

کلماتی که احساسات منفی را منتقل می کنند نیز گرایش دارند تأثیر بیشتری نسبت به کلمات با احساسات مثبت داشته باشند (لوفران و مک دونالد، ۲۰۱۱، تتلوک، ۲۰۰۷؛ تتلوک و همکاران، ۲۰۰۸). این مشاهدات از لائو و میلز (۲۰۱۵) پشتیبانی می کند که، انسان از منظر روانشناختی، تمایل دارد تا اطلاعات منفی را دقیق تر از اطلاعات مثبت پردازش کند. نتایج برخی از مطالعات قبلی نشان می دهد که لحن منفی از نظر آماری تأثیر معناداری بر تصمیمات خوانندگان دارد (گارسیا، ۲۰۱۳؛ جگادش و وو، ۲۰۱۳؛ تتلوک، ۲۰۰۷)، در حالی که برخی دیگر هیچ تأثیر معناداری از کلمات مثبت پیدا نمی کنند (لوفران و مک دونالد، ۲۰۱۱). برخی از محققان استدلال می کنند که سرمایه گذاران استفاده استراتژیک از لحن را توسط مدیریت در نظر می گیرند، و بنابراین تأکید بیشتری را نسبت به لحن مثبت دارند (هنری و لئون، ۲۰۱۶).

ارتباط مثبت بین عملکرد شرکت و ویژگی های افشا (دیویس و تاماسوئیت، ۲۰۱۲؛ فرانکل و همکاران، ۲۰۱۰؛ لی، ۲۰۱۰؛ پرایس و همکاران، ۲۰۱۲) و توانایی بازار در بازتاب لحن اطلاعات در قیمت گذاری سهام (هنری، ۲۰۰۸؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ یکینی و همکاران، ۲۰۱۶) نشان می دهد که ویژگی های گزارش های سالانه احتمالاً با فاکتورهای ریسک حساسی که حسابرسان در نظر دارند مرتبط است. از آنجا که لحن افشاگری منجر به نتایج اقتصادی خاص می شود، برای مثال، هزینه سرمایه و قیمت سهام (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹)، چنین انتظاراتی ممکن است تصمیمات مربوط به گزارشگری مالی شرکت ها را شکل دهد. لحن گزارش های سالانه همچنین ممکن است نشان دهنده رفتار اساسی مدیریت باشد (لاو و میلز، ۲۰۱۵). به عنوان مثال، لائو و میلز (۲۰۱۵)

دریافتند کرد که شرکت‌هایی که در گزارش‌های سالانه از کلمات با لحنی منفی استفاده می‌کنند، تمایل دارند از استراتژی‌های تهاجمی برنامه‌ریزی مالیاتی استفاده کنند که ممکن است موجب اقدامات قانونی توسط بازرس مالیاتی علیه شرکت شود. از منظر حسابرسی چنین شرایطی حاکی از خطر عدم رعایت صاحبکار از قانون است و در نتیجه ریسک ذاتی حسابرسی را افزایش می‌دهد. ریسک حسابرسی یک عامل اساسی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به قیمت‌گذاری حسابرسی است (پرات و استیس، ۱۹۹۴؛ سیمونیک، ۱۹۸۰؛ استنلی، ۲۰۱۱). حسابرس برای تعیین میزان تلاش حسابرسی لازم برای کاهش ریسک، میزان خطر سوء استفاده از منابع که شامل ریسک ذاتی و کنترل می‌باشد، در نظر می‌گیرد. حسابرس قصد دارد وقتی مشتری دارای سطح بالایی از خطر سوء استفاده از منابع است، سطح تلاش حسابرسی را افزایش داده و خطر دعوی قضایی، جریمه‌های قانونی، افت اعتبار و غیره را کاهش دهد (فدراسیون بین‌المللی حسابداران، ۲۰۰۹). بنابراین، میزان تلاشی که در حسابرسی صرف شده است به عنوان عامل اصلی تعیین‌کننده حق‌الزحمه حسابرسی است (گال و همکاران، ۲۰۱۸؛ های و همکاران، ۲۰۰۶؛ سیمونیک، ۱۹۸۰). گرچه سایر فاکتورها مانند اندازه صاحبکار و قدرت حاکمیت شرکتی (های و همکاران، ۲۰۰۶) و همچنین اندازه و تخصص حسابرس حق‌الزحمه حسابرسی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (های، ۲۰۱۳). مطالعات قبلی نشان می‌دهد که سطح تلاش حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی با شرکت‌های دارای ریسک بالاتر در تجارت ارتباط مثبت دارد (بل و همکاران، ۲۰۰۸؛ بل و همکاران، ۲۰۰۱). حسابرسان طیف گسترده‌ای از منابع اطلاعاتی را برای ارزیابی ریسک حسابرسی و تعیین تلاش حسابرسی به کار می‌گیرند. یانگ و همکاران (۲۰۱۸) دریافت که خطرات خود شناسایی شده مشتری که در بیان افشای گزارش سالانه وجود دارد با حق‌الزحمه حسابرسی همراه است. علاوه بر این، دی‌کاسترو و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که کلمات با لحن مثبت تمایل به ریسک ذاتی کمتری نسبت به کلمات با لحن منفی دارند و لحن مثبت با تلاش حسابرسی کمتر همراه است و بنابراین حق‌الزحمه حسابرسی را نیز کاهش می‌دهد. با توجه به مطالب مطرحه فوق، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر بیان می‌گردد:

فرضیه اول: لحن خوشبینانه گزارشگری مالی منجر به کاهش میزان حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد.

۲,۳. مالکیت خانوادگی، لحن گزارش‌های سالانه و حق‌الزحمه حسابرسی

در دنیای اقتصاد مالکیت خانوادگی به عنوان یکی از اجزای ساختار مالکیت دارای اهمیت روزافزونی است و شرکت‌های خانوادگی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون تعریف کرد. از عواملی که شرکت‌های خانوادگی به کمک آن‌ها تعریف می‌شوند می‌توان به عضویت اعضای خانواده در هیئت مدیره، درصد مالکیت سهم از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه خانواده در شرکت اشاره کرد. در شرکت‌های خانوادگی عموماً بخش زیادی از سهام در اختیار یک یا چند سهامدار عمده حقیقی از اعضای یک خانواده قرار دارد که تبعاً اعضای خانواده می‌توانند در بخش‌های مدیریتی و عملیاتی شرکت فعالیت نمایند؛ از این رو این افراد می‌توانند به عنوان مالک و نماینده در شرکت محسوب شوند (نمازی و محمدی، ۱۳۸۹). درخصوص چگونگی تأثیر مالکیت خانوادگی بر رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی، دو نظریه متضاد (نظریه‌های همسویی و سنگربندی) در ادبیات حسابداری و حسابرسی مطرح شده است.

بر اساس نظریه همسویی انتظار می‌رود مالکیت خانوادگی منجر به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی و تقویت رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و میزان حق‌الزحمه حسابرسی شود. مالکیت خانوادگی هنگامی که مناصب ارشد اجرایی هیئت‌مدیره را دارند منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران می‌شود (اندرسون و ریپ، ۲۰۰۳؛ پرنسپ و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین، پژوهش‌های پیشین (یانگ، ۲۰۱۰؛ سریندهی و همکاران، ۲۰۱۴) نشان دادند که مالکیت خانوادگی با کیفیت سود بالاتر و حاکمیت شرکتی بهتری همراه است. ضمن اینکه، یکی از دلایلی که ممکن است منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های خانوادگی شود، تمرکز بر بقای بلندمدت و شهرت شرکت‌های خانوادگی و همچنین روابط شخصی با اعتباردهندگان و سایر سهامداران است، زیرا اراده آنها برای باقی نگه داشتن نام خانواده و حضور پایدار و بلندمدت اعضای خانواده در شرکت، موجب می‌شود که شرکت‌های خانوادگی رابطه خوب و بلندمدتی با سهامداران غیرخانوادگی و اعتباردهندگان داشته باشند (اندرسون و ریپ، ۲۰۰۳). سیمونیک (۱۹۸۰) اظهار داشت که ریسک حسابرسی بر دامنه کار حسابرسی و به نوبه خود میزان حق‌الزحمه

حسابرسی تأثیر می‌گذارد. برخی از مطالعات پیشین نشان دادند ریسک حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی کمتر است. به طور مثال، وانگ (۲۰۰۶) نشان داد که احتمال بروز رفتار فرصت‌طلبانه در اعضای خانواده و تأثیرگذاری آنها در فرایند گزارشگری مالی، کمتر است. همچنین، خان و سوبرامانیام (۲۰۱۲) دریافتند که در شرکت‌های خانوادگی، به دلیل نبود انگیزه‌های قوی برای دستکاری سود، ریسک حسابرسی پایین است. محمدرضائی و همکاران (۱۳۹۷) نیز به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خانوادگی هزینه‌های نمایندگی کمتری دارند، بنابراین به ارزیابی ریسک و تلاش‌های حسابرسی کمتری نیاز داشته و در نتیجه حق‌الزحمه پایین‌تری دارند. همچنین بر مبنای مطالعه عرب و همکاران (۱۴۰۰) شرکت‌های با مالکیت خانوادگی عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران کمتر می‌شود و کیفیت سود بالاتر می‌رود و حساب‌برسان ریسک کمتری از سوء استفاده مالی و گزارشگری مالی متقلبانه دارند که این امر موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد. بنابراین، بر طبق این نظریه همسویی، انتظار می‌رود مالکیت خانوادگی رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و میزان حق‌الزحمه حسابرسی را تقویت نماید.

از سوی دیگر، بر مبنای نظریه سنگربندی انتظار می‌رود مالکیت خانوادگی منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی و تضعیف رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و میزان حق‌الزحمه حسابرسی شود. مالکیت خانوادگی منجر به بروز مسائل نمایندگی بین سهامداران عمده و سهامداران جزء می‌گردد. چراکه در این‌گونه شرکت‌ها، سهامداران عمده و خانوادگی سعی در تأمین منافع شخصی خود با هزینه سهامداران جزء دارند (القول و همکاران، ۲۰۱۶). همسو با این دیدگاه، پژوهش‌های متعددی به موضوع انحراف منابع و کسب منافع شخصی از سهامداران جزء در شرکت‌های خانوادگی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، برتراند و همکاران (۲۰۰۲) و بآ و همکاران (۲۰۰۲) به شواهدی مبنی بر رفتار فرصت‌طلبانه و انحراف منابع در شرکت‌های خانوادگی هندی و شرکت‌های خانوادگی کره‌ای دست یافتند. بطور مشابه، گایا و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که اجتناب مالیاتی مکانیزم مناسبی در جهت تأمین منافع شخصی مالکان خانوادگی به‌شمار می‌رود و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی بیشتر از سایر شرکت‌هاست. در واقع، مالکیت خانوادگی ریسک حسابرسی را از طریق

گزارشگری مالی متقلبانه یا سوءاستفاده مالی بالا می‌برد و حسابرسان را متحمل تلاش و حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری می‌کند، زیرا باید اقدامات گسترده‌ای را انجام دهند تا صدمات ناشی از چنین ریسک‌هایی را کاهش دهند (عرب و همکاران، ۱۴۰۰). لذا، برپایه این نظریه سنگربندی، انتظار می‌رود مالکیت خانوادگی رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و میزان حق‌الزحمه حسابرسی را تضعیف نماید.

بنابراین، با توجه به مطالب فوق استدلال می‌شود که مالکیت خانوادگی رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی را تعدیل کند. لیکن، فرضیه دوم پژوهش بر پایه دو مسئله استوار است: ۱) اختلافات نمایندگی کمتری و ارزیابی ریسک و تلاش‌های حسابرسی کمتر (نظریه همسویی) و ۲) انحراف منابع و کسب منافع شخصی و افزایش ریسک حسابرسی (نظریه سنگربندی). لذا فرضیه دوم پژوهش به شکل زیر تدوین می‌گردند:

فرضیه دوم: رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی، متفاوت از سایر شرکت‌هاست.

۳. روش شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ است. نمونه آماری پژوهش شامل شرکت‌هایی است که حائز شرایط ذیل باشند:

۱. شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۱ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۹ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند؛
۲. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد؛
۳. طی دوره مورد نظر، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشد؛

۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشده‌اند).
۵. حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی انجام نشده باشد.
۶. داده‌ها برای محاسبه متغیرهای پژوهش در دسترس باشد.
- پس از اعمال محدودیت‌های یادشده، تعداد ۷۸۹ مشاهده (طبق جدول ۱) به‌عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. داده‌های پژوهش حاضر با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار، جامعه حسابداران رسمی و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شد. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها نیز از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews استفاده شده است.

جدول ۱- انتخاب نمونه و توزیع صنعت

پنل اول: روند انتخاب نمونه آماری		
۴۵۸۲	کل مشاهداتی که تا پایان سال ۱۳۹۹ عضو بورس بودند.	
(۱۷۳۲)	کسر می‌شود: از ابتدای سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته نشده باشد.	
(۲۷۰)	کسر می‌شود: سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نباشد.	
(۱۸۴)	کسر می‌شود: تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی داده باشد.	
(۷۹۲)	کسر می‌شود: جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی باشد.	
(۳۶۰)	کسر می‌شود: حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی	
(۴۵۵)	کسر می‌شود: داده‌ها در دسترس نباشد.	
۷۸۹	تعداد نمونه آماری انتخاب شده	
پنل دوم: توزیع نمونه با توجه به صنعت و شرکت‌های خانوادگی		
شرکت‌های خانوادگی	مشاهدات	صنعت
٪ ۲۱	٪ ۱۷	خودرو و قطعات
٪ ۸	٪ ۱۶	دارویی
٪ ۱۱	٪ ۱۰	غذایی بجز قند و شکر
٪ ۰	٪ ۶	فرآورده‌های نفتی و شیمیایی

کاشی و سرامیک	٪ ۴	٪ ۳
کانی فلزات معادن	٪ ۱۵	٪ ۱۵
لاستیک و پلاستیک	٪ ۴	٪ ۰
ماشین آلات	٪ ۱۱	٪ ۱۷
مصالح ساختمانی	٪ ۱۴	٪ ۰

۳.۱. مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش مدل‌های زیر بر مبنای مطالعه عرب و همکاران (۱۴۰۰) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

$$LNAF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OPTONE_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 RECINV_{i,t} + \beta_6 AGE_{i,t} + \beta_7 AUDOPN_{i,t} + \beta_8 AUDCHG_{i,t} + \beta_9 AFR_{i,t} + \beta_{10} CONOWN_{i,t} + \beta_{11} SUBS_{i,t} + \sum IND + \sum YEAR + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

$$LNAF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OPTONE_{i,t} + \beta_2 FAMILY_{i,t} + \beta_3 OPTONE * FAMILY_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 RECINV_{i,t} + \beta_8 AGE_{i,t} + \beta_9 AUDOPN_{i,t} + \beta_{10} AUDCHG_{i,t} + \beta_{11} AFR_{i,t} + \beta_{12} CONOWN_{i,t} + \beta_{13} SUBS_{i,t} + \sum IND + \sum YEAR + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

که در مدل‌های فوق:

متغیر وابسته

حق‌الزحمه حسابرسی ($LNAF$): برای سنجش آن مطابق با مطالعه‌های ایمانی برندق و همکاران (۱۳۹۶)، عرب و همکاران (۱۳۹۹) و عرب و همکاران (۱۴۰۰) از لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی استفاده شده است.

متغیر مستقل

لحن خوشبینانه گزارشگری مالی ($OPTONE$): به پیروی از پژوهش‌های دیویس و همکاران (۲۰۱۲) و دی‌کاسترو و همکاران (۲۰۱۹) از تفاوت بین فراوانی کلمات خوشبینانه (مثبت) و فراوانی کلمات بدبینانه (منفی) محاسبه می‌شود. بر این اساس، هر چه عدد بزرگتر باشد، لحن خوشبینانه‌تر و هر چه عدد کوچکتر باشد، لحن بدبینانه‌تر خواهد بود.

جدول ۲- فهرستواژه‌های مرتبط با لحن خوشبینانه و بدبینانه

نوع واژه	کلمات نمونه
واژه‌های خوشبینانه و مثبت	تاثیرگذار، سود، قوی، برجسته، بدست آوردن، فرصت‌ها، کسب کردن، قادر، موفقیت‌آمیز، پیش‌رفتن، خوب، جایزه، دستاورد، بزرگتر، بهبودیافته، رسیدن، موفقیت
واژه‌های بدبینانه و منفی	ضرر، اختلال، زیان، در مقابل، افشا و افشا شدن، خاتمه دادن، مختل شده، استعفا، در معرض، بحرانی، ادعاها، نگرانی، بازسازی، اظهار غلط، خاتمه یافت، قصور و کوتاهی، قطع شد، کاهش یافتن،

متغیر تعدیلگر

مالکیت خانوادگی (FAM): در این پژوهش به پیروی از پژوهش‌های معطوفی و گلچوبی (۱۳۹۶) و عرب و همکاران (۱۴۰۰)، از یکی از دو شرط زیر برای تعریف شرکت‌های خانوادگی در ایران استفاده شده است:

- الف) سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد. و یا ؛
- ب) یکی از اعضای هیئت مدیره، خود، به تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیئت مدیره و اعضای خانواده و فامیل وی، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد.
- از اینرو در پژوهش حاضر، اگر شرکتی یکی از ویژگی‌های فوق را داشته باشد، خانوادگی تلقی شده و عدد یک را می‌پذیرد و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود.

متغیرهای کنترلی

مهم‌ترین متغیرهایی که بر مبنای مطالعات قبلی (عرب و همکاران، ۱۳۹۹؛ عرب و همکاران، ۱۴۰۰) به‌طور بالقوه بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار بودند در مدل‌های پژوهش به عنوان متغیرهای کنترلی مدنظر قرار گرفتند و عبارتند از:

اندازه شرکت (SIZE): از لگاریتم طبیعی دارایی‌های پایان دوره شرکت استفاده شده است.

اهرم مالی (LEV): نسبت کل بدهی به کل دارایی‌ها به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری اهرم مالی به کار می‌رود.

زیان شرکت (LOSS): اگر شرکت زیان داشته باشد برابر عدد یک و در غیر اینصورت برابر عدد صفر است.

حساب‌های دریافتی و موجودی کالا (RECINV): شرکت از تقسیم مجموع موجودی کالا و حساب‌های دریافتی بر دارایی‌های شرکت محاسبه شده است.

سن شرکت (AGE): بر اساس فاصله زمانی بین سال تاسیس تا پایان دوره زمانی پژوهش، اندازه‌گیری می‌شود.

اظهار نظر حسابرس (AUDOPN): چنانچه نوع اظهار نظر مقبول باشد به آن عدد یک اختصاص می‌یابد و در غیر این صورت صفر می‌شود.

تغییر حسابرس (AUDCHG): چنانچه در سال مورد نظر حسابرس تغییر کند به آن عدد یک اختصاص می‌یابد و در غیر این صورت صفر می‌شود.

رتبه موسسه حسابرسی (AFR): اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی یا یکی از موسسات درجه الف مورد رسیدگی قرار گرفته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد.

تمرکز مالکیت (CONOWN): برابر با درصد مالکیت سهام در اختیار بزرگترین سهامدار شرکت است.

شرکت‌ها تابعه (SUBS): اگر شرکت دارای شرکت‌های تابعه و فرعی باشد برابر با عدد یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است.

اثرات صنعت (IND): بیانگر نوع صنعت که به صورت یک متغیر مجازی سنجیده شده است.

اثرات سال (YEAR): یک متغیر مجازی است و برای در نظر گرفتن اثرات تصادفی سال وارد الگوی رگرسیونی خواهد شد.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. آمار توصیفی

جدول (۳)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است را برای نمونه‌ای متشکل از ۵۶۰ مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۱ نشان می‌دهد. نتایج پنل اول و قسمت کمی جدول نشان می‌دهد، میانگین لحن خوشبینانه، ۱/۹۲۷- می‌باشد. این میزان نشان‌دهنده این است که لحن مورد استفاده در گزارش‌ها، به طور معمول بدبینانه می‌باشد. همچنین میانگین اهرم مالی نشان می‌دهد حدود ۵۵ درصد دارایی‌های شرکت‌های نمونه از طریق بدهی، تامین مالی شده است. همچنین نکته قابل توجه دیگر این جدول، به طور میانگین ۵۰ درصد دارایی شرکت‌های مورد بررسی را حساب‌های دریافتی و موجودی کالا تشکیل می‌دهد. با توجه به میانگین تمرکز مالکیت حدود ۵۲ درصد شرکت‌های نمونه در اختیار بزرگترین سهامدار است. در پنل دوم و قسمت کیفی جدول درصد مالکیت خانوادگی نشان می‌دهد ۱۱ درصد شرکت‌های نمونه دارای مالکیت خانوادگی هستند، به طور میانگین ۱۰ درصد شرکت‌های نمونه از لحاظ مالی دچار درماندگی مالی و زیان‌ده هستند، میانگین اظهارنظر حسابرس و رتبه حسابرس به ترتیب بیان کننده آن است که ۵۸ درصد شرکت‌های نمونه اظهارنظر مقبول دریافت و ۹۰ درصد شرکت‌های نمونه توسط موسسات حسابرسی رتبه الف حسابرسی شده است. ضمن اینکه ۳۰ درصد شرکت‌های نمونه دارای شرکت‌های تابعه و فرعی هستند.

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل اول: آمار توصیفی متغیرهای کمی						
متغیر	نماد	کمترین	بیشترین	میانگین	میانه	انحراف معیار
حق‌الزحمه حسابرسی	LNAF	۴/۳۴۴	۱۰/۳۲۷	۷/۱۲۳	۷/۰۸۷	۰/۸۹۰
لحن خوشبینانه گزارشگری مالی	OPTONE	-۳۰	۱۹	-۱/۹۲۷	۲	۱۳/۱۴۲
اندازه شرکت	SIZE	۱۰/۴۹۳	۲۰/۱۹۹	۱۴/۲۱۹	۱۴/۱۴۷	۱/۳۳۴
اهرم مالی	LEV	۰/۰۱۳	۱/۳۲۳	۰/۵۵۰	۰/۵۶۶	۰/۲۲۱
حساب‌های دریافتی و موجودی کالا	RECINV	۰/۰۰۱	۰/۹۲۶	۰/۵۰۴	۰/۵۰۸	۰/۲۱۰

۱۴/۰۳۵	۳۹	۳۹/۶۴۸	۷۱	۶	AGE	سن شرکت
۰/۱۹۲	۰/۵۱۷	۰/۵۲۷	۰/۹۳۷	۰/۱۰۵	CONOWN	تمرکز مالکیت
پنل دوم: آمار توصیفی متغیرهای کیفی						
درصد فراوانی			نماد		متغیر	
٪ ۱۱			FAMILY		درصد مالکیت خانوادگی	
٪ ۱۰			LOSS		زیان شرکت	
٪ ۵۸			AUDOPN		اظهار نظر حسابرس	
٪ ۲۲			AUDCHG		تغییر حسابرس	
٪ ۹۰			AFR		رتبه موسسه حسابرسی	
٪ ۳۰			SUBS		شرکت‌های تابعه	

۴.۲. نتایج آزمون فرضیه اول

جدول (۴) نتایج فرضیه اول را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ضریب حاصل از رگرسیون متغیر لحن خوشبینانه گزارشگری مالی (OPTONE) با ضریب (-۰/۳۰۸) منفی و در سطح خطای ۱ درصد معنادار است، لذا فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود و می‌توان گفت لحن خوشبینانه گزارشگری مالی منجر به کاهش میزان حق الزحمه حسابرسی می‌گردد.

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

معناداری	آماره تی	انحراف معیار	ضریب	علامت مورد انتظار	متغیر
۰/۰۰۰	-۴/۳۹۷	۰/۰۲۰	-۰/۰۸۸		C
۰/۰۰۹	-۲/۶۲۱	۰/۱۱۷	-۰/۳۰۸	-	OPTONE
۰/۰۰۰	۳/۷۹۱	۰/۰۰۸	۰/۰۲۹	+	SIZE
۰/۶۷۶	۰/۴۱۸	۰/۰۴۶	۰/۰۱۹	+	LEV
۰/۵۳۰	۰/۶۲۹	۰/۰۸۰	۰/۰۵۰	+	LOSS

۰/۸۶۶	۰/۱۶۹	۰/۰۶۳	۰/۰۱۱	+	RECINV
۰/۸۹۶	۰/۱۳۰	۰/۱۷۷	۰/۰۲۳	؟	AGE
۰/۰۰۰	۳/۸۸۲	۰/۰۲۶	۰/۱۰۲	+	AUDOPN
۰/۰۴۱	-۵/۳۹۷	۰/۰۲۲	-۰/۱۱۶	-	AUDCHG
۰/۰۲۲	۲/۲۹۶	۰/۱۴۵	۰/۳۳۲	+	AFR
۰/۰۰۵	-۲/۸۱۷	۰/۰۷۳	-۰/۲۰۸	-	CONOWN
۰/۲۹۰	۱/۰۵۹	۰/۰۵۶	۰/۰۵۹	+	SUBS
کنترل شد					IND
کنترل شد					YEAR
۲/۱۲۸				بیشترین VIF	
۶۷/۴۸۰				آماره F فیشر	
۰/۰۰۰				معناداری آماره F فیشر	
۰/۳۱				ضریب تعیین تعدیل شده	
۲/۰۶۵				آماره دوربین واتسون	

۴.۳. نتایج آزمون فرضیه دوم

جدول (۵) نتایج فرضیه دوم را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ضریب حاصل از رگرسیون متغیر اثر تعاملی لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و مالکیت خانوادگی ($OPTONE * FAM$) با ضریب (-۰/۲۹۹) منفی و در سطح خطای ۵ درصد معنادار است، لذا فرضیه دوم پژوهش تایید می‌شود و می‌توان گفت رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی، بیشتر از سایر شرکت‌هاست.

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

معناداری	آماره تی	انحراف معیار	ضریب	علامت مورد انتظار	منغیر
۰/۰۰۱	-۳/۴۹۷	۰/۰۶۴	-۰/۲۲۵		C
۰/۰۱۳	-۲/۴۸۶	۰/۰۷۰	-۰/۱۷۵	-	OPTONE
۰/۰۰۰	-۳/۷۲۵	۰/۰۱۴	-۰/۰۵۳	+/-	FAM
۰/۰۱۹	-۲/۳۵۵	۰/۱۲۷	-۰/۲۹۹	+/-	OPTONE*FAM
۰/۰۰۰	۱۱/۶۸۵	۰/۰۴۲	۰/۴۸۷	+	SIZE
۰/۷۳۶	۰/۳۳۸	۰/۵۷۱	۰/۱۹۳	+	LEV
۰/۲۴۳	۱/۱۷۱	۰/۰۵۸	۰/۰۶۸	+	LOSS
۰/۸۸۴	۰/۱۴۶	۰/۱۸۵	۰/۰۲۷	+	RECINV
۰/۹۰۷	۰/۱۱۷	۰/۰۵۳	۰/۰۰۶	؟	AGE
۰/۰۰۵	۲/۸۲۳	۰/۰۱۶	۰/۰۴۶	+	AUDOPN
۰/۰۴۴	-۲/۰۱۷	۰/۰۰۸	-۰/۰۱۸	-	AUDCHG
۰/۰۱۱	۲/۵۷۴	۰/۱۲۵	۰/۳۲۱	+	AFR
۰/۰۰۰	-۵/۳۴۳	۰/۰۲۱	-۰/۰۱۲	-	CONOWN
۰/۲۰۱	۱/۲۸۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	+	SUBS
کنترل شد					IND
کنترل شد					YEAR
۲/۴۳۲				بیشترین VIF	
۷۳/۷۴۱				آماره F فیشر	
۰/۰۰۰				معناداری آماره F فیشر	
۰/۳۳				ضریب تعیین تعدیل شده	
۲/۱۰۵				آماره دورین واتسون	

۵. بحث و نتیجه گیری

حق الزحمه حسابرسی از موضوعات مهمی است تا کنون پژوهش‌های زیادی روی آن انجام شده و عوامل موثر بر آن شناسایی شده است. براین اساس، پژوهش‌های مختلف صورت گرفته به بررسی عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها پرداخته و نشان دادند که لحن گزارشگری مالی یکی از این عوامل تأثیر گذار بر میزان ریسک حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. ضمن اینکه مالکیت خانوادگی با توجه به نظریه‌های همسویی و سنگربندی دو تأثیر متفاوت بر حق الزحمه حسابرسی می‌گذارد. از این رو، در پژوهش حاضر نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی با توجه به نظریه‌های همسویی و سنگربندی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه آزمون فرضیه اول پژوهش حاکی از آن است که لحن خوشبینانه گزارشگری مالی منجر به کاهش میزان حق الزحمه حسابرسی می‌گردد. لحن گزارش‌های سالانه نشان دهنده رفتار اساسی مدیریت می‌باشد و با فاکتورهای ریسک حسابرسی که حسابرسان در نظر دارند مرتبط است. شرکت‌هایی که در گزارش‌های سالانه از کلمات با لحنی منفی استفاده می‌کنند، عموماً از استراتژی‌های تهاجمی برنامه‌ریزی مالیاتی استفاده می‌کنند که موجب بوجود آمدن ریسک از منظر حسابرسی می‌گردد. همچنین، کلمات با لحن مثبت تمایل به ریسک ذاتی کمتری نسبت به کلمات با لحن منفی دارند و لحن مثبت با تلاش حسابرسی کمتر همراه است و بنابراین حق الزحمه حسابرسی را نیز کاهش می‌دهد. نتیجه بدست آمده با دیدگاه‌های مطرح شده توسط دی‌کاسترو و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

در فرضیه دوم پژوهش نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه حاکی از آن است که مالکیت خانوادگی رابطه منفی بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی را در جهت مثبت تعدیل می‌کند. این یافته مطابق با نظریه همسویی است که بیان می‌کند که در شرکت‌های با مالکیت خانوادگی عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران کمتر می‌شود

و کیفیت سود بالاتر می‌رود و حساب‌برسان ریسک کمتری از سوء استفاده مالی و گزارشگری مالی متقلبانه دارند که این امر موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد. از این‌رو، رابطه بین لحن خوشبینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی، تحت تأثیر مالکیت خانوادگی قرار گرفته و تعدیل یا به عبارتی تقویت می‌شود.

بر اساس یافته پژوهش پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران و فعالان بازار بورس به لحن گزارشگری مالی مالکیت خانوادگی توجه ویژه‌ای داشته باشند و آن را به عنوان عاملی تأثیرگذار بر میزان حق‌الزحمه شرکت‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند. همچنین، به اعضای هیئت‌مدیره و سایر افرادی که در گزارشگری مالی نقش دارند پیشنهاد می‌شود با ارائه گزارش با لحن خوشبینانه‌تر موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی شوند. علاوه بر این به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد که در ارزیابی خود از سطح ریسک شرکت صاحبکار و برنامه‌ریزی عملیات حسابرسی در کنار سایر عوامل، به لحن گزارشگری مالی توجه داشته باشند. ضمن اینکه، به سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان نهاد نظارتی نیز پیشنهاد می‌گردد که با وضع دستورالعمل‌ها و الزاماتی، شرکت‌ها را ملزم به افشای اطلاعات مربوط به حق‌الزحمه حسابرسی کند.

در فرآیند انجام پژوهش علمی، مجموعه شرایطی وجود دارد که خارج از کنترل محقق است ولی به طور بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر آن است که به دلیل عدم افشای داده‌های مربوط حق‌الزحمه حسابرسی در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی شرکت بود، به همین جهت محقق در انتخاب نمونه آماری پژوهش دچار محدودیت شد و با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعمیم نتایج به سایر شرکت‌ها باید با احتیاط انجام شود. در ادامه، به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود که اثر لحن گزارشگری مالی بر مدیریت سود و ضعف کنترل داخلی بررسی گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود که ارتباط ارتباط لحن گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی با توجه به نقش تعدیلی رفتار نامتقارن هزینه مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ایمانی برندق، محمد؛ عبدی، مصطفی و کاظمی علوم، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی برحق الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۳)، ۳۰۳-۳۲۲.
- عرب، روح اله، غلامرضا پور، محمد، امیرنیا، نرجس، کاظمی، سید پوریا. (۱۴۰۰). قدرت مدیرعامل، مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی: واکاوی نظریه‌های همسویی و سنگربندی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۸(۷۰)، ۱۶۷-۱۹۳.
- عرب، روح اله؛ غلامرضا پور، محمد؛ امیرنیا، نرجس و عمادالدینی، امیر. (۱۳۹۹). بررسی نقش مالکیت دولتی بر رابطه اجتناب مالیاتی و حق الزحمه حسابرسی: آزمون تجربی نظریه جیب بزرگ، حسابداری مدیریت، ۱۳(۴۵)، ۱۸۶-۱۶۹.
- محمدرضائی، فخرالدین؛ تنانی، محسن و علی آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). خطای حسابرسی: تأخیر در گزارش حسابرسی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۱)، ۷۰-۵۱.
- مشایخی، بیتا؛ حسن زاده، شادی؛ امینی، یاسین و منتی، وحید. (۱۳۹۵). تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر حق الزحمه حسابرسی مستقل، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸(۳۱)، ۵۶-۴۱.
- معطوفی، علی‌رضا و گلچوبی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه مالکیت خانوادگی و سرعت تعدیل در میزان نگهداشت وجه نقد: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۹(۴)، ۸۲-۶۱.
- نمازی، محمد و محمدی، محمد. (۱۳۸۹). بررسی کیفیت سود و بازده شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری و حسابرسی، ۲(۲)، ۱۹۴-۱۵۹.
- Anderson, R. C., & Reeb, D. M. (2003). Founding family ownership and firm performance: Evidence from the S&P 500 firm. *Journal of Finance*, 58(3), 1301-1328.

- Bae, K., Kang, J., & Kim, J. (2002). Tunneling or value added? Evidence from mergers by Korean business groups. *Journal of Finance*, 57, 2695-2740.
- Bell, T. B., Doogar, R., & Solomon, I. (2008). Audit labor usage and fees under business risk auditing. *Journal of Accounting Research*, 46(4), 729-760.
- Bell, T. B., Landsman, W. R., & Shackelford, D. A. (2001). Auditors' perceived business risk and audit fees: Analysis and evidence. *Journal of Accounting Research*, 39(1), 35-43.
- Bertrand, M., Mehta, P., Mullainathan, S. (2002). Ferreting out tunneling: An application to Indian business groups. *Quarterly Journal of Economics*, 117, 121-148.
- Biddle, G. C., Hilary, G., & Verdi, R. S. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency? *Journal of Accounting and Economics*, 48(2), 112-131.
- Davis, A. K., & Tama-Sweet, I. (2012). Managers' use of language across alternative disclosure outlets: Earnings press releases versus MD&A. *Contemporary Accounting Research*, 29(3), 804-837.
- Davis, A. K., Ge, W., Matsumoto, D., & Zhang, J. L. (2015). The effect of manager-specific optimism on the tone of earnings conference calls. *Review of Accounting Studies*, 20(2), 639-673.
- Davis, A., Piger, J., & Sedor, L. (2012). Beyond the Numbers: Measuring the Information Content of Earnings Press Release Language. *Contemporary Accounting Research*, 29(3), 845-868.
- De Castro, V. B., Gul, F. A., Muttakin, M. B. Mihret, D. G. (2019). Optimistic tone and audit fees: Some Australian evidence, *International Journal of Auditing*, 23(2), 352-364.
- El Ghouli, S., & Guedhami, O., Wang, H., & Kwok, C. (2016). Family control and corporate social responsibility. *Journal of Banking & Finance*, 73, 131-146.
- Feldman, R., Govindaraj, S., Livnat, J., & Segal, B. (2010). Management's tone change, post earnings announcement drift and accruals. *Review of Accounting Studies*, 15(4), 915-953.
- Frankel, R., Mayew, W. J., & Sun, Y. (2010). Do pennies matter? Investor relations consequences of small negative earnings surprises. *Review of Accounting Studies*, 15(1), 220-242.
- Gaaya, S., Nadia, L. & Faten, L. (2017). Does family ownership reduce corporate tax avoidance? The moderating effect of audit quality. *Managerial Auditing Journal*, 32(7), 731-744.
- Garcia, D. (2013). Sentiment during recessions. *The Journal of Finance*, 68(3), 1267-1300.
- Gul, F. A., Hsu, A. W., & Liu, S. H. (2018). Parent-subsidary investment layers and audit fees. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 33(4), 555-579.
- Hay, D. (2013). Further evidence from meta-analysis of audit fee research. *International Journal of Auditing*, 17(2), 162-176.

- Hay, D. C., Knechel, W. R., & Wong, N. (2006). Audit fees: A meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23(1), 141–191.
- Henry, E. (2008). Are investors influenced by how earnings press releases are written? *The Journal of Business Communication*, 45(4), 363–407.
- Henry, E., & Leone, A. J. (2016). Measuring qualitative information in capital markets research: Comparison of alternative methodologies to measure disclosure tone. *The Accounting Review*, 91(1), 153–178.
- Huang, X., Teoh, S. H., & Zhang, Y. (2014). Tone management. *The Accounting Review*, 89(3), 1083–1113.
- International Federation of Accountants (2009). International standard on auditing 240: The auditor's responsibilities relating to fraud in an audit of financial statements. http://www.ifac.org/system/files/-_downloads/a012-2010-iaasb-handbook-isa-240.pdf.
- Jegadeesh, N., & Wu, D. (2013). Word power: A new approach for content analysis. *Journal of Financial Economics*, 110(3), 712–729.
- Khan, A., & Subramaniam, N. (2012). Family firm, audit fee and auditor choice: Australian evidence. Financial Markets & Corporate Governance Conference. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1985776>.
- Kothari, S. P., Xu, L., & Short, J. E. (2009). The effect of disclosures by management, analysts, and business press on cost of capital, return volatility, and analyst forecasts: A study using content analysis. *The Accounting Review*, 84(5), 1639–1670.
- Lang, M., & Lundholm, R. (2000). Voluntary disclosure and equity offerings: Reducing information asymmetry or hyping the stock? *Contemporary Accounting Research*, 17(4), 623–662.
- Larcker, D. F., & Zakolyukina, A. A. (2012). Detecting deceptive discussions in conference calls. *Journal of Accounting Research*, 50(2), 495–540.
- Law, K. K., & Mills, L. F. (2015). Taxes and financial constraints: Evidence from linguistic cues. *Journal of Accounting Research*, 53(4), 777–819.
- Lawrence, A. (2013). Individual investors and financial disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 56(1), 130–147.
- Li, F. (2010). Textual analysis of corporate disclosures: A survey of the literature. *Journal of Accounting Literature*, 29, 143–165.
- Lopatta, K., Gloger, M. A., & Jaeschke, R. (2017). Can language predict bankruptcy? The explanatory power of tone in 10-K filings. *Accounting Perspectives*, 16(4), 315–343.
- Loughran, T., & McDonald, B. (2011). When is a liability not a liability? Textual analysis, dictionaries, and 10-Ks. *The Journal of Finance*, 66(1), 35–65.
- Pratt, J., & Stice, J. D. (1994). The effects of client characteristics on auditor litigation risk judgments, required audit evidence, and recommended audit fees. *Accounting Review*, 69(4), 639–656.

- Prencipe, A., Bar-Yosef, S., Mazzola, P., & Pozza, L. (2011). Income Smoothing in Family-Controlled Companies: Evidence from Italy. *Corporate Governance International Review*, 19(6), 529–546.
- Price, S. M., Doran, J. S., Peterson, D. R., & Bliss, B. A. (2012). Earnings conference calls and stock returns: The incremental informativeness of textual tone. *Journal of Banking & Finance*, 36(4), 992–1011.
- Rogers, J. L., Van Buskirk, A., & Zechman, S. L. C. (2011). Disclosure tone and shareholder litigation. *The Accounting Review*, 86(6), 2155–2183.
- Simnett, R., & Huggins, A. (2014). Enhancing the auditor's report: To what extent is there support for the IAASB's proposed changes? *Accounting Horizons*, 28(4), 719–747.
- Simunic, D. (1980). The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence. *Journal of accounting research*, 18(1):161–190.
- Srinidhi, B. N., He, S., & Firth, M. (2014). The Effect of Corporate Governance on Specialist Auditor Choice and Audit Fees in the U.S. Family Firms. *The Accounting Review*, 89(6), 2297–2329.
- Stanley, J. D. (2011). Is the audit fee disclosure a leading indicator of clients' business risk? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(3), 157–179.
- Tee., C., M. (2019). CEO Power and Audit Fees: Evidence from Malaysia. *International Journal of Auditing*. 23(3), 365-386.
- Tetlock, P. C. (2007). Giving content to investor sentiment: The role of media in the stock market. *The Journal of Finance*, 62(3), 1139–1168.
- Tetlock, P. C., Saar-Tsechansky, M., & Macskassy, S. (2008). More than words: Quantifying language to measure firms' fundamentals. *The Journal of Finance*, 63(3), 1437–1467.
- Wang, D. (2006). Founding Family Ownership and Earnings Quality. *Journal of Accounting Research*, 44(3), 619-656.
- Yang, L. M. (2010). The Impact of Controlling Families and Family CEOs on Earnings Management. *Family Business Review*, 23(3), 266–279.
- Yang, R., Yu, Y., Liu, M., & Wu, K. (2018). Corporate risk disclosure and audit fee: A text mining approach. *The European Accounting Review*, 27(3), 583–594.
- Yekini, L. S., Wisniewski, T. P., & Millo, Y. (2016). Market reaction to the positiveness of annual report narratives. *The British Accounting Review*, 48(4), 415–430